

فصل پنجم

نخستین کلون انسان



برخی از پیشرفت‌های بشری، دیدگاه ما را نسبت به خودمان تغییر می‌دهند و رویاها و کابوس‌های زیادی را به همراه خود می‌آورند. برای مثال، فرود آمدن بشر بر کره ماه، نگرش فرازمینی را وارد زندگی بشر کرد. آیا انسان می‌تواند در سیارات دیگر سکنی گزیند؟ آیا در سیارات دیگر، جانداران توانمندی وجود دارد؟ آیا امکان ندارد روزی این جانداران، سیاره زمین را مورد تاخت و تاز خود قرار دهند؟ این‌ها، پرسش‌های آمیخته به ترسی هستند که ریشه در نخستین فرود بشر بر کره‌ای دیگر دارند. به همین نحو، انفجار اتمی توان بهره‌برداری از ذخایر بسیار عظیم انرژی و در عین حال امکان براندازی کل حیات از کره خاکی را به ما عطا کرد.

فن کلون‌سازی نیز که پیشرفت مهمی در زمینه زیست‌شناسی و پزشکی محسوب می‌شود، با وضعیت مشابهی روبه‌رو شد. این فن

امکان به وجود آوردن انسان‌های جدیدی را فراهم ساخت که برای آفرینش آنان آمیزش اسپرم و تخمک ضروری نیست. هزاران سال است که انسان‌ها از آمیزش این دو سلول جنسی، حاصل می‌شوند و اکنون طرحی نو برای تولید انسان مطرح شده است. بنابراین، جای تعجب نیست که کلون‌سازی، چالش‌های فکری، بیم‌ها و امیدها و خیال‌پردازی‌های زیادی را همراه خود آورده است. اما کلون‌سازی چگونه دیدگاه ما را نسبت به خودمان و توانایی‌هایمان تغییر می‌دهد؟

در اواسط دهه ۱۹۷۰ میلادی، قرص‌های ضدبارداری در دسترس عموم قرار گرفتند و در اواخر این دهه امکان لقاح در لوله آزمایش (IVF) فراهم شد. به علاوه، در همان سال‌ها کلون‌سازی جانوران مختلف، با موفقیت انجام شد. با این پیشرفت‌ها، ما به توانی دست پیدا کردیم که تا پیش از این تصور می‌شد تنها مخصوص خداست: کنترل زاد و ولد، درمان ناباروری و شیوه‌ای نامعمول برای تولید جانوران و در آینده انسان. همه ما با عباراتی نظیر «خدا خواست بچه‌دار شوند»، «خداوند به آنان فرزندی عطا کرد»، «خدا نخواسته که بچه‌دار شوند» و... آشنا هستیم. اما بشر به توانی دست پیدا کرده که والدینی که به نظر می‌رسید «خدا نخواسته بچه‌دار شوند» صاحب فرزند می‌کند. به علاوه، آن طور که در کتاب شوک آینده تافلر آمده در آینده نزدیک خود را کپی‌برداری می‌کند و کم‌کم بر مرگ نیز غلبه می‌کند. این تصورات، چالش‌های فکری زیادی به وجود می‌آورند. به

این ترتیب، دیدگاه ما نسبت به توانایی‌هایمان چنان تغییر کرد که حتی برخی تصور کردند، بشر در جایگاه خدا قرار گرفته است و «کارهای خدایی» انجام می‌دهد. از این رو، برخی این پیشرفت‌ها را عبور از خط قرمزهایی دانستند که انسان را به سوی دخالت در کار خدا می‌کشاند.



کسب توانایی‌های جدید، همیشه بیم‌ها و امیدهای زیادی را همراه خود آورده است. فن کلون‌سازی، از یک سو امید حل مشکلات ناباروری و مشکل رد پیوند اعضا را همراه خود آورد و از سوی دیگر احتمال تزلزل بنیان خانواده،

زنده کردن هیتر، تولید لشکری از جنایتکاران، هیروشیمازی زیستی و خدشه‌دار کردن هویت انسانی را مطرح کرد. در واقع، اظهارنظرهایی که پیرامون کلون‌سازی انسان صورت گرفته در طیفی از بی‌نهایت خوش‌بینی تا بی‌نهایت بدبینی جای می‌گیرند و اغلب آن‌ها از دو نگرش متفاوت نسبت به کلون‌سازی و کلون‌ها ناشی می‌شوند.

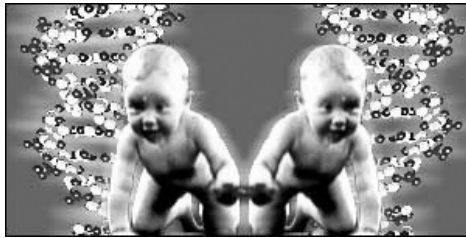
گروهی، کلون‌ها را انسان‌هایی مجزا، مستقل و همانند سایر انسان‌ها می‌دانند که شباهت ظاهری و رفتاری آنان به والد خود می‌تواند زیاد باشد. در واقع، آنان برخلاف گروه دیگر، کلون‌ها را

«کپی برابر اصل» والد خود نمی‌دانند. اما متأسفانه این نگرش که به واقعیت نزدیک‌تر است، در روزنامه‌ها و رسانه‌های خبری بازتاب کمتری داشته و اغلب دیدگاه گروه دوم همراه با لعاب خیالپردازی در آن‌ها مطرح می‌شود. برای مثال، می‌توان به گزارش‌هایی اشاره کرده که از ادعای شرکت «کلوناید» مبنی بر تولد نخستین انسان کلون‌سازی شده، خبر دادند.

آنچه در خبرها آمد

در هشتم دی ماه ۱۳۸۱، روزنامه‌ها و رسانه‌های خبری، از تولد نخستین انسان به روش کلون‌سازی خبر دادند. آن‌ها ادعای گردانندگان شرکت «کلوناید» را منتشر کردند که به فرقه مذهبی «رایل» وابسته است. رایل، رهبر این فرقه، آن‌طور که در پایگاه اینترنتی کلوناید آمده، در فوریه ۱۹۹۷ میلادی (زمان تولد دالی) این شرکت را در جزیره «باهاما» واقع در آمریکا تأسیس کرد. وی با توجه به تقاضای بیش از ۲۵۰ نفر که حاضر بودند با پرداخت ۲۰۰

هزار دلار کلون‌سازی شوند، خانم دکتر برژیت بویزلیه را به عنوان مدیر طرح کلون‌سازی انسان برگزید و از او خواست



شرکت ویژه‌ای را برای انجام این طرح و طرح‌های دیگر شرکت کلوناید، تأسیس کند.

دکتر بویزلیه که در زمینه شیمی و فیزیک مولکول‌های حیاتی تخصص گرفته، از تولد نخستین انسان کلون‌سازی شده خبر داد.



انتشار این خبر موجی از بهت و نگرانی را به همراه خود آورد. به نقل از همشهری، رئیس جمهوری فرانسه کلون‌سازی انسان را هم جنایت و هم اهانت به ذات بشری دانست و هرگونه پژوهش در

علم را که به کلون‌سازی انسان بینجامد، محکوم کرد. به علاوه، شیراک از همه کشورها خواسته است که به طرح مشترک آلمان و فرانسه برای ممنوع کردن کلون‌سازی انسان بپیوندند. کلیسا و مجامع مذهبی غرب و علمای اخلاق نیز در برابر این خبر موضع‌گیری کردند.

خبر تولد نخستین انسان کلون‌سازی شده با چنان ناباوری روبه‌رو شد که کسی درستی یا نادرستی آن را پیگیری نکرد. تمام خبرگزاری‌ها، فقط ادعای رئیس شرکتی را منتشر کردند که به گفته خودش مکان آن بنا به دلایل امنیتی مخفی نگه داشته شده است.

در واقع، فرآیند کلون‌سازی در شرکتی انجام گرفته که هنوز در هیچ کشوری به ثبت نرسیده است. به علاوه، هویت زن ۳۱ ساله‌ای که برای کلون‌سازی «حوا» کوچولو از سلول پوست او استفاده شده، فاش نشده است. به عبارت دیگر، خانم بویزلیه هنوز هیچ مدرکی برای اثبات ادعای خود ارائه نکرده است. با وجود این، از تولد چند نوزاد دیگر به همین شیوه خبر داده است.

این نخستین باری نیست که خانم بویزلیه چنین ادعایی می‌کند. وی در سال ۲۰۰۱ میلادی در همایشی که کلون‌سازان مشهور جهان و متخصصان ناباروری حضور داشتند، ادعا کرد که شرکت خصوصی او که وابسته به شرکت کلوناید و فرقه رایلیان است، از طریق کلون‌سازی، جنین‌های انسانی به وجود آورده‌اند اما مثل همیشه برای اثبات ادعای خود هیچ مدرکی ارائه نکرد.

صرف نظر از بی‌پایه و اساس بودن خبر تولد نخستین انسان کلون‌سازی شده، فن کلون‌سازی به نحو نادرستی در روزنامه‌ها و رسانه‌ها مطرح شد.

همشهری در این باره نوشت:

«این کودک از نظر خصائص طبیعی، عین مادرش است و قاعدتاً هیچ تفاوتی با وی نخواهد داشت؛ در واقع هسته‌ای که همه خصائص مادر را می‌سازد در کودکش بازسازی شده است.»

همشهری، ۸ دی ۱۳۸۱

به نقل از آسوشیتدپرس



روزنامه اعتماد که طی چند روز اخبار کلون‌سازی را پیگیری می‌نمود، کلون‌سازی را این‌گونه معرفی کرد:

«این کودک همسان‌سازی شده، از هر جهت شبیه همان

زن ۳۰ ساله است، وقتی به سن رشد برسد این دو نفر از نظر شباهت درست همانند یکدیگر خواهند بود.»

اعتماد، ۱۰ دی ۱۳۸۱

این روزنامه در نظر خواهی تلفنی که از برخی از علمای دینی پیرامون کلون‌سازی انجام داد نیز چنین دیدگاهی را منعکس کرد. روزنامهٔ اعتماد به نقل از آیت‌الله سیدحسین موسوی تبریزی نوشت: «بعید نیست نسل آینده وقتی که از کنار هم می‌گذرند، دچار حیرت شوند. شاید آن کس که قدم می‌زند، همانی باشد که از روبه‌رو می‌آید! هر چه باشد علم آنقدر پیشرفت کرده که دیگر بشر از چیزی تعجب نمی‌کند. اگر چند سال بعد کسی را دیدید که مثل شما راه می‌رود، می‌خندد، می‌گرید و درست مثل شما فکر می‌کند، ابداً حیرت نکنید!»

اعتماد، ۱۰ دی ۱۳۸۱

در ستون «شهر قانون» همین روزنامه، آنچه که «انقلاب در پزشکی ژنتیک» خوانده شده، با عبارت «گستاخی» نفی شده است:

«صرف‌نظر از این که، چرا مقامات مسؤول در ایران در مقابل این اقدام ضدانسانی سکوت اختیار کرده‌اند، پرسشی که به طور جدی مطرح می‌شود این است که آیا کسی از خود پرسیده است که چرا پیشنهاد تصویب کنوانسیون در خصوص ممنوعیت همتاسازی انسان - که دو سال پیش به سازمان ملل ارایه شده بود - همچنان مسکوت مانده و در کاغذ پاره‌های بایگانی این سازمان خاک می‌خورد... چگونه می‌توان «بنیان خانواده» را معنا کنند، وقتی که «ایو» (حوا) و «ایو»ها بزرگتر شوند و بخواهند مادرشان را ببینند و صدا بزنند، در حالی که وقتی از سلول پوست تن زنی جوان، نوزادی به دنیا می‌آید و بر فرض به ۱۰ سالگی می‌رسد، با خواهری روبه‌رو شود که جامه‌ مادر بر تنش کرده‌اند!»

اعتماد، ۱۰ دی ۱۳۸۱

روزنامه بهار در چند شماره خود، کلون‌سازی را دستمایه اهداف سیاسی خود قرار داد. این روزنامه در ستونی با نام «شبییه‌سازی روحی» نوشت: «واقعیت آن است که قرن‌هاست بسیاری از صاحبان قدرت کوشیده‌اند برای تحکیم مبانی و گسترش سلطه خویش، افکار، عقاید، اخلاق و رفتار انسان‌های دیگر را کنترل کرده و به چارچوب‌های مشخص رسمی محدود سازند و به رؤیای خطرناک و غیراخلاقی جامعه‌ای با هنجارهای فکری، ارزشی و عملی یکسان و همانند، جامعه عمل بپوشانند. در همین مسیر کانون‌هایی خاص به

عنوان مرجع معتبر تعیین عقاید و افکار درست و مجاز و ارزش‌های اخلاقی مستقیم و اعمال و رفتار مقبول ایجاد شده‌اند. اگر کمی دقیق شویم، می‌بینیم نقش تاریخی این کانون‌ها هیچ تفاوتی با انستیتوهای تولید انبوه انسان‌های همانند، ندارد. با این تفاوت که در آن‌ها به جای پروژه شبیه‌سازی جسمی، پروژه بسیار خطرناک و فجیع‌تر شبیه‌سازی ذهنی و اخلاقی پیگیری و عملی می‌شده است.»

بهار، ۱۱ دی ۱۳۸۱

به علاوه، همین روزنامه در ستون «پشت درهای بسته» خود نوشت: «یکی از مصادیق شبیه‌سازی، همین پرونده مؤسسه آینده است. تمام دوستان که می‌آیند دادگاه یک جور حرف که خیلی شبیه‌سازی است حرف می‌زنند... یکی از مصادیق شبیه‌سازی در ایران عزیز ما، دانشجویانی هستند که در تجمعاتی که مجوز رسمی دارند، شرکت می‌کنند، بعد از تجمع، پای چشم تمام این دوستان شبیه‌سازی شده است... فکر اولیه شبیه‌سازی در ذهن دانشمندان خارجی از وقتی جرقه زد که یکی از آن‌ها یک بار به ایران سفر نموده و نیم ساعتی شبکه‌های تلویزیونی ما را تماشا کرده بود...»

بهار، ۱۴ دی ۱۳۸۱

هر چند دیدگاه «شبیه‌سازی روحی» که در این روزنامه مطرح شد، قابل تأمل است، اما بهتر بود گردانندگان آن تصویر درست‌تری

از فن کلون‌سازی را در روزنامه خود منعکس می‌کردند تا برخی با برداشت نادرستی که از این فن دارند، به نام اسلام آن را محکوم نکنند.

روزنامه جام جم در ۱۵ دی ۱۳۸۱ در مطلبی با عنوان «آنچه هر کس باید درباره شبیه‌سازی بداند» موضوع را به نحو مناسب‌تری مطرح کرد که جای تقدیر دارد. به هر حال، در اکثر روزنامه‌ها و مجلات، فن کلون‌سازی به نحو نادرستی مطرح شده است. نگارنده در مطلبی با عنوان «کلون‌ها آن چیزی نیستند که تصور می‌رود» که در تاریخ ۱۵ دی ۱۳۸۱ در روزنامه همشهری چاپ شد، تلاش کرد تصویر صحیحی از این پیشرفت مهم ارائه کند.



مذهب کلون سازی

در خلال اخباری که پیرامون کلون سازی انسان منتشر گردیده از فرقه ای به نام رایلیان نام برده شده که معتقدند انسان ها با فن کلون سازی پدید آمده اند و این فن شیوه ای است برای غلبه بر مرگ. در واقع، دکتر بویزلیه که ادعای نخستین کلون انسان را مطرح کرد به این فرقه وابسته است و خود را یک رایلی می داند. بویزلیه ادعا می کند تلاش های آنان در زمینه کلون سازی، از سوی «الوهیم» حمایت می شود. او در مصاحبه های مختلف، بخش هایی از پیام کلود و ریلون را بازگو کرده که تحت نام رایلی ادعای پیامبری دارد. رایلی که مانند پیامبران اولوالعظم صاحب «کتاب» است و اکنون به کمک اینترنت پیام خود را به اغلب زبان های زنده دنیا از جمله فارسی، منتشر می کند، ادعا دارد که در سال ۱۹۷۳ میلادی، الوهیم وی را به



سیارهٔ خویش بردند و برای رساندن پیامشان به انسان‌های زمینی، بار دیگر او را به زمین بازگرداندند.

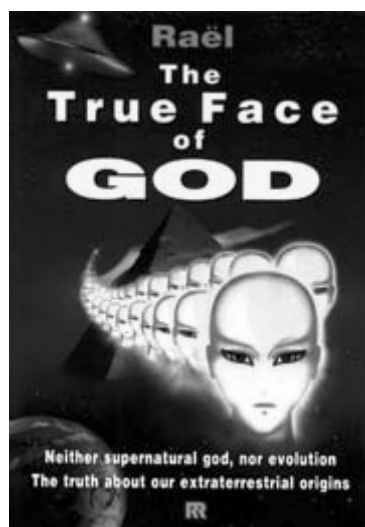
بنا به ادعای رایل، الوهیم اسم انسان‌های کرات دیگر است که از نظر علمی هزاران سال از ما جلوترند و تمام موجودات زنده از جمله انسان‌ها را در کره زمین از طریق کلون‌سازی و مهندسی ژنتیک پدید آوردند. الوهیم منتظر بودند که علم و فناوری در زمین پیشرفت کند تا مردم بتوانند سفر به کرات دیگر و مهندسی ژنتیک را درک کنند. اما اکنون الوهیم می‌خواهند به زودی به زمین بازگردند. بنا به ادعای رایل، طرفداران او در حال آماده کردن سفارت رسمی برای الوهیم هستند تا آنان با سفینه‌های خود به زمین بازگردند. به گفته وی، هر روز مردم بیش‌تری سفینه‌های الوهیم را مشاهده می‌کنند.

در بخش فارسی پایگاه اینترنتی رایل، خلاصه‌ای از کتاب او با نام «پیامی که انسان‌های کرات دیگر دادند: علم به جای مذهب» آورده شده است:

«الله پیمان خود را با پیامبران این گونه بست: در این جا نشانه‌ها، بینش و فضیلتی موجود است که من به شما عطا کرده‌ام. پیام‌آوری ظهور خواهد کرد که وجود آیات را تأیید کند. آیا او را همراهی خواهد کرد؟ قرآن، سورهٔ آل عمران، آیه ۸۱.

برادران و خواهران عزیز مسلمان:

اجازه دهید به اطلاع شما برسانیم که «رایل» (پیام‌آوری که در آیهٔ بالا قول ظهورش آمده است) امروز در میان ماست و مشغول آماده کردن راه برای بازگشت پیامبر عظیم الشان بر روی زمین است. نهایت افتخار است اگر بتوانیم به رایل در راه رسیدن به این هدف مقدس، بازگشت جلال آفرین محمد بزرگوار، دست یاری دهیم.



با مزیت داشتن علم و تدبیر پیامی که به رایل داده شده، سرانجام می‌توان به حقیقت الله پی برد. الله، رهبر و راهنمای الوهیم، این انسان‌های پیشرفته در علم و تکنولوژی است که متعلق به کرات دیگر می‌باشند. الوهیم، ما را با دانش و فضیلت بی‌پایان خویش و با استفاده از مهندسی ژنتیک، هزاران سال پیش آفریدند و

پیامبران را برای هدایت و راهنمایی ما فرستادند. الله پیمان را با همه پیامبران بست تا «رسول مصدق» (امام زمان) را یاری کنند. مسلمان، یهودی یا مسیحی، برما متدینین است که برخیزیم به سوی حکم الله و پیام‌آورش «رایل» را در این راه یاری کنیم.

... الوهیم مانند ما انسان هستند با این تفاوت که از نظر علم و تکنولوژی از ما پیشرفته‌ترند. آن‌ها در سیاره‌ای نزدیک به زمین زندگی می‌کنند ولی خارج از منظومه شمسی می‌باشند. الوهیم پیامبران را فرستادند تا مذاهب بتوانند مهر تأییدی باشند بر آنچه که الوهیم از ابتدای هستی در زمین انجام داده‌اند. اسم مفرد الوهیم، «الوها» می‌باشد که به زبان عبری یعنی آن‌ها که از آسمان آمدند. در انجیل الوهیم (یک لغت جمع) به غلط خدا (مفرد) ترجمه شده است. در زبان عربی، به عنوان «اله» از الوهیم یاد می‌شود. الله (الوها) همان یهوه است که رهبر الوهیم می‌باشد. در زبان فارسی باستان از آن‌ها به نام «یزد» یاد شده به معنای خدا و جمعش «یزدان» است.

از طریق پیام الوهیم می‌توان دانست که حضرت محمد در شب معراج از مکه به بیت‌المقدس و از آنجا به بهشت (سرزمین الوهیم)، جایی که به پیامبران پیشین به روش علمی دوباره حیات داده شده است، برده شد تا شکوه و جلوه الله را با بصیرت از نزدیکی نگرا باشد. حضرت محمد همان شب به زمین برگردانده شد. در طول سفر سوار بر اسبی بود به نام «البراق» (چهار پای سفید) که سرعتش برابر نور بود. اکنون می‌توان پی برد که «البراق» در حقیقت یک سفینه فضایی بوده است».

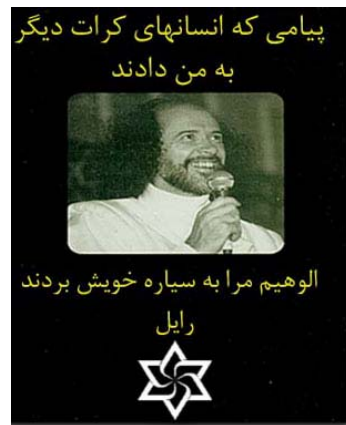
رایل در کتاب خود ادعا کرده است که الوهیم قصد دارند به زمین بیایند تا به کمک دانش خود بهشت موعود را برای ما بسازند. تنها

مشکلی که فرود آن‌ها را به تأخیر انداخته، برپا نشدن سفارتی فراملیتی است. در مطلبی که با عنوان «پیامی جدید از الوهیم» در پایگاه رائل عرضه شده، چنین آمده است: «ما خواسته بودیم که سفارتی نزدیک بیت المقدس برای استقبال از ما ساخته شود و مقامات و مردم خودسر و لجوج چندین بار از تصویب رسمی آن و تأیید خارج از قلمرو کشوری بودن آن امتناع ورزیده‌اند. ترجیح ما برای بیت المقدس فقط به دلیل احساس عاطفی بود، چرا که برای ما بیت المقدس در جایی است که مردم آن ما را دوست دارند، به ما احترام می‌گذارند و خواهان خوش‌آمدگویی به ما با احترامات شایسته می‌باشند. مردم منتخب کسانی هستند که می‌دانند ما که هستیم و آماده خوش‌آمدگویی به ما هستند و این مردم رایلیان هستند.»

در زمین، یهودیان واقعی دیگر مردم اسرائیل نیستند بلکه کسانی‌اند که ما را خالقین خود می‌شناسند و آرزوی دیدن برگشت ما را دارند. ارتباطی که ما با مردم اسرائیل داریم به زودی قطع خواهد شد و عهد و پیمان جدید به پایان خود نزدیک می‌شود، برای ایشان زمان اندکی باقی مانده است تا اشتباه خود را درک کنند. در غیر این صورت دوباره پراکنده خواهند شد. هم اکنون ما می‌بایست درخواست خود را برای خارج از قلمرو کشوری بودن که لازمه تأسیس سفارت است را به تمام ممالک زمین ابلاغ کنیم. همچنان تا

شعاع یک کیلومتری سفارت می‌تواند از زمین سخت و یا از آب باشد به شرط آن که دریانوردی در آن منع باشد.

وقتی که کشور دیگری این اجازه را تصویب کرد، به اسرائیل شانس آخری داده خواهد شد که در یک مدت زمان خیلی محدود برای تصمیم‌گیری موافقت خود را اعلام کند. در غیر این صورت



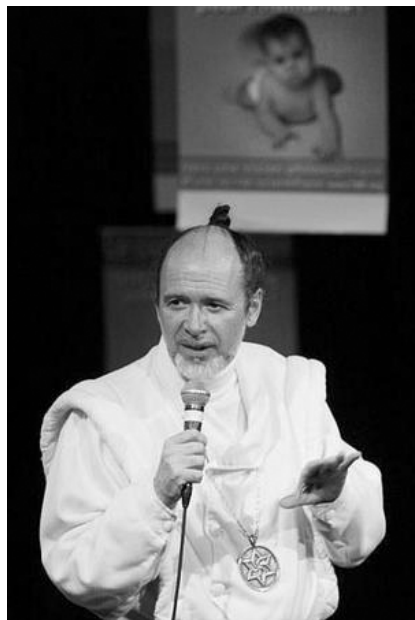
سفارت در مکان دیگری ساخته خواهد شد و مردم داوود حمایت ما را از دست داده و پراکنده خواهند شد و کشوری که ساخت سفارت در قلمرو آن و یا در زمینی که اهدا می‌کند و یا می‌فروشد، تحقق یابد و اجازه خارج از قلمرو کشوری بودن آن را تصویب کند، آینده‌ای شکوفا و

تضمین شده خواهد داشت و از حمایت ما برخوردار خواهد بود و مرکزیت روحانی و علمی کل زمین در هزاره آینده خواهد بود.

زمان برگشت بزرگ ما نزدیک است و ما متعهدترین شما را تقویت و محافظت می‌کنیم. دشمنان شما بیش‌تر دست قدرتمند ما را خواهند دید که بر سرشان فرود می‌آید، به خصوص سوء استفاده‌گر «رُم» و اسقف‌هایش و تمام کسانی که به اسم ما ولی بدون فرمان ما عمل می‌کنند.»

نقدی بر سخنان رایل

رایل ادعا می‌کند که «اخلاقیات و اصول مذاهب سنتی با شرایط کنونی زندگی، دیگر همگونی ندارد ولی انسان همچنان محتاج به یک دید اساسی و عرفانی از هستی می‌باشد و مذهب رایلی با آشکار کردن حقیقت درباره‌ی الوهیم و خلق علمی زندگی در کره‌ی زمین، این احتیاج را در این دوران جدید برآورده می‌کند.» وی برای اثبات ادعای خود علاوه بر کتاب‌های مذهبی از کشفیات و حقایق علمی نیز بهره گرفته است. برای مثال، رایل ادعا کرده است که سال‌ها پیش، از فن کلون‌سازی سخن گفته و اکنون بشر این توان را به دست آورده



است. در واقع، او ادعا می‌کند در سال ۱۹۷۳ میلادی، الوهیم پیامبر خود «رایل» را در فرانسه مأمور به پخش پیامی کرده که در آن کلون‌سازی جانداران مطرح شده است. اما همان طور که در فصل چهارم گفته شد، بحث کلون‌سازی جانوران به دهه‌ی ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ برمی‌گردد. در واقع، در سالی که رایل به «پیامبری»

مبعوث شد، قورباغه‌ها کلون‌سازی شده بودند! علاوه بر «شواهد علمی» کاملاً غیرعلمی که رایل برای اثبات ادعای نبوت خود ارائه کرده، در سخنانی که تحت عنوان پیام الوهیم منتشر کرده است نیز مطالب متناقض زیادی وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

رایل ادعا می‌کند که الوهیم تمام جانداران کره زمین از جمله ما انسان‌ها را از طریق کلون‌سازی پدید آورده‌اند. به علاوه، در مذهب او الوهیم نیز کلون یکدیگرند.

۱) رایل ادعا می‌کند که الوهیم از نظر علمی هزاران سال از ما جلوترند. چگونه است که کلون‌های آن‌ها، یعنی ما انسان‌های کره خاکی، از نظر علمی هزاران سال از آن‌ها عقب‌تریم؟

۲) اگر الوهیم ما را از طریق کلون‌سازی پدید آورده‌اند و خود نیز حاصل کلون‌سازی هستند، انسان یا انسان‌های نخستینی که از سلول‌های آنان برای کلون‌سازی الوهیم و بقیه انسان‌ها استفاده شده است، چگونه به وجود آمدند؟

رایل ادعا می‌کند که الوهیم می‌خواهند به زمین بیایند تا بهشت موعود را بسازند و تنها مشکلی که در حال حاضر فرود آن‌ها را به تأخیر انداخته، برپانشدن سفارتی فراملیتی است.

۱) بدون شک سیاره‌ای که الوهیم در آن به سر می‌برند، با دانش و فنی که آن‌ها در اختیار دارند، بهشت موعود است. خود رایل نیز چنین ادعایی دارد: «حضرت محمد در شب معراج از مکه به

بیت‌المقدس و از آنجا به بهشت (سرزمین الوهیم) برده شد...». آیا بهتر نبود الوهیم به جای نزول به زمین و تلاشی چندساله برای برپایی بهشت، ما را به سرزمین خود می‌بردند؟

(۲) از آنجا که الوهیم از لحاظ علمی از ما خیلی جلوترند، آیا بهتر نیست گوشه‌ای از زیبایی‌های سیاره بهشت گونه خود را توسط پیامبر خویش در قالب فیلمی مستند از طریق اینترنت منتشر کنند؟ بدون شک با دیدن تصاویری از بهشت موعود، همه کشورهای در همه شهرهای خود برای الوهیم سفارت برپا خواهند کرد. در این صورت، دیگر نیازی نیست رایلی به حال پاپ غبطه بخورد که مکانی فراملیتی برای خود دارد!

رایلی ادعا می‌کند که در سال ۱۹۷۳ بر فراز کوهی در فرانسه با خالقان واقعی ما ملاقات کرده است و آن‌ها او را به سیاره خویش برده‌اند.

(۱) آیا بهتر نبود الوهیم به جای انتخاب روزنامه‌نگاری که سابقه علمی قابل ملاحظه‌ای ندارد، چندتن از برندگان جایزه نوبل را به سیاره خویش می‌بردند تا با مشاهده پیشرفت‌های علمی آن‌ها، ایمان زمینی‌ها را به آنان مستحکم‌تر می‌کردند؟

(۲) آیا بهتر نبود از ملاقات رایلی با الوهیم فیلمبرداری می‌شد یا دست کم آن‌ها یکی از پیشرفت‌های علمی خود را که بشر زمینی، هنوز به آن دست پیدا نکرده است، به عنوان «معجزه» در اختیار رایلی می‌گذاشتند تا مردم بیشتری به او ایمان بیاورند؟

مذهب کلون‌سازی آنقدر بی‌پایه و بنیان است که برای رد آن نیازی به استدلال و بحث‌های منطقی نیست. اما از آنجا که در روزنامه‌ها نکاتی پیرامون این مذهب مطرح شده بود، چندسطری به آن اختصاص داده شد. اگر به اظهارات رایل با دقت بیشتری نگاه کنیم، وابسته بودن وی به صهیونیست‌ها که سابقهٔ مذهب‌سازی دارند به خوبی روشن می‌شود. حتی نشان مذهبی که رایل به گردن خود می‌آویزد، همان ستارهٔ داوود (آرم و نماد دولت اسرائیل) است که تغییرات جزئی در آن داده شده است.